

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies

Volume 15, Consecutive Number 32, Summer 2023

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This open-access paper is licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



## An Investigation of Reformulation Markers in English and Persian Linguistics Articles

**Kokhaei.Maryam<sup>1</sup>-Naghshbandi.Shahram<sup>2</sup>\***

1: Master of Linguistics, Semnan University, Semnan, Iran., Semnan University, Semnan, Iran.

2: Assistant Professor of Linguistics, Semnan University, Semnan, Iran: Corresponding Author ([naghshbandi@semnan.ac.ir](mailto:naghshbandi@semnan.ac.ir))

Reformulation markers are a subset of meta-discourse markers by which the second statement expresses or explains the first statement from a different point of view to make it easier and more convenient for the audience to understand the message. The present research aims to investigate the frequency, function, and type of reformulation discourse markers in English and Persian corpora in linguistics to discover differences and similarities. The English and Persian texts each contain 50 randomly selected articles. Considering the congruence and suitability of Hyland's (2005) model with the scientific discourse, it was used to identify reformulation markers. Murillo's (2012) model was also used in two corpora to study the function of reformulation markers. The obtained quantitative results show that the frequency of reformulation markers in the English sub-corpus is more than in the Persian one. The most significant reformulation markers in the English sub-corpus belonged to "i.e.," and in the Persian sub-corpus is "/ya'ni/". Based on the form, 50 different reformulation markers were found in the overall corpora. The results show that the highest frequency of the reformulation markers function in two sub-corpora is related to the interpretation of explicit meaning (descriptions and specifications). The lowest frequency of the markers function links to implicit meaning (mathematical operations).

**Keywords** metadiscourse markers, reformulation markers, Persian article, English article.

- M. Kokhaei, Sh. Naghshbandi (2023). An Investigation of Reformulation Markers in English and Persian Linguistics Articles, *THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies* 15(32), 317-340.

[Doi: 10.22075/jlrs.2023.29921.2246](https://doi.org/10.22075/jlrs.2023.29921.2246)



مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴ - شماره ۳۲ - تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۳۱۷-۳۴۰ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۱/۲۶ - بازنگری ۱۴۰۲/۰۲/۳۰ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

## بررسی نشانه‌های گفتمانی صورت‌بندی مجدد در مقالات

### انگلیسی و فارسی

مریم کوخانی / شهرام نقشبندی\*

۱: کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

[naghshbandi@semnan.ac.ir](mailto:naghshbandi@semnan.ac.ir)

۲: استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول)

**چکیده:** نشانه‌های صورت‌بندی مجدد، زیرمجموعه نشانه‌های فراگفتمانی هستند که به موجب آن‌ها، گزاره دوم با دیدگاه متفاوتی به بیان یا تشریح گزاره اول می‌پردازد تا درک پیام را برای مخاطب، آسان‌تر و راحت‌تر سازد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی فراوانی، عملکرد و نوع نشانه‌های گفتمانی صورت‌بندی مجدد در دو پیکره انگلیسی و فارسی در حوزه زبان‌شناسی برای کشف تفاوت‌ها و شباهت‌هاست. پیکره‌های انگلیسی و فارسی، هریک شامل پنجاه مقاله هستند که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. با توجه به همخوانی و تناسب انگاره هایلند (۲۰۰۵) با گفتمان علمی، از آن برای شناسایی نشانه‌های صورت‌بندی مجدد استفاده شد. همچنین برای مطالعه عملکرد نشانه‌های صورت‌بندی مجدد، از انگاره موریلو (۲۰۱۲) بهره گرفته شد. نتایج کمی به دست آمده نشان می‌دهد فراوانی نشانه‌های صورت‌بندی مجدد در مقالات انگلیسی، بیشتر از مقالات فارسی است. در مقالات زبان انگلیسی، نشانهگر «A.e» بیشترین تعداد را دارد و در مقالات زبان فارسی، نشانهگر «یعنی» از همه بیشتر است. بر اساس شکل، در دو پیکره، مجموعاً پنجاه نشانهگر صورت‌بندی مجدد یافت شد. نتایج حاصل از بررسی عملکرد نشانه‌های صورت‌بندی مجدد نشان می‌دهد در دو پیکره فارسی و انگلیسی، بیشترین فراوانی در عملکرد نشانه‌های صورت‌بندی مجدد، مربوط به تفسیر محتوای صریح (توضیحات و مشخصات) و کمترین فراوانی، مربوط به محتوای تفسیر ضمنی (عملیات ریاضی) است.

**کلیدواژه:** نشانه‌های فراگفتمان، نشانه‌های صورت‌بندی مجدد، مقاله فارسی، مقاله انگلیسی.

- کوخانی، مریم؛ نقشبندی، شهرام (۱۴۰۲). بررسی نشانه‌های گفتمانی صورت‌بندی مجدد در مقالات انگلیسی

و فارسی. مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۲، صفحات ۳۱۷-۳۴۰.

Doi: 10.22075/jlrs.2023.29921.2246

## ۱. مقدمه

گفتمان، به مجموعه یا دستگاهی گفته می‌شود که از طریق واژگان یا گفتارهای نهادینه‌شده در ذهن، اثر می‌گذارد یا به عبارت دیگر، پرداختن به موضوعی در قالب نوشتن یا گفتن است. می‌توان گفتمان را چنین تعریف کرد: «کلمات و مفاهیمی که اجزای تشکیل‌دهنده ساختار زبان هستند، ثابت و پایدار نبوده و در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، ارتباط آن‌ها دگرگون شده و معانی مختلفی را بیان می‌کنند» (صالحی مازندرانی و همکاران، ۱۳۹۶ به نقل از سلیمی). فراگفتمان، اشاره به روش‌هایی دارد که نویسندگان یا سخنرانان با این روش‌ها متون خود را برای تعامل با مخاطبان‌شان مطرح می‌کنند. به عبارت دیگر، در سطح گفتمان، نویسنده، اطلاعاتی درباره موضوع متن ارائه می‌کند و در این سطح، محتوای گزاره‌ای را گسترش می‌دهد و در سطح دیگر، یعنی سطح فراگفتمان، مطالب گزاره‌ای را اضافه نمی‌کند؛ بلکه به خوانندگان کمک می‌کند این مطلب را سازمان‌دهی، طبقه‌بندی، تفسیر و ارزیابی کرده و واکنش نشان دهند.

اصطلاح فراگفتمان، نخستین بار توسط زلیگ هریس<sup>۱</sup> در سال ۱۹۵۹ ابداع شد. بعدها افرادی چون ویلیامز<sup>۲</sup> (۱۹۸۱)، وند کاپل<sup>۳</sup> (۱۹۸۵)، کریزمور<sup>۴</sup> (۱۹۸۹) و هایلند<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، مفهوم فراگفتمان را توسعه دادند. فراگفتمان، اصطلاح عامی است که برای امکانات فرازبانی برای تعامل در گفتمان به کار می‌رود. فراگفتمان به نویسنده یا گوینده، این امکان را می‌دهد که نظرهای خود را بیان کند و همچنین با مخاطب به منزله عضو از یک جامعه خاص ارتباط برقرار سازد. هدف آن،

1. Zelig Harris
2. Williams
3. Vande Kopple
4. Crismore
5. Hyland

هدایت مخاطبان است، نه اطلاع‌رسانی به آن‌ها. در هر ژانر نوشتاری، نویسندگان سعی می‌کنند خوانندگان خود را از طریق متن، راهنمایی و هدایت کنند؛ در نتیجه، نوشته‌های خود را به گونه‌ای ارائه می‌دهند که خوانندگان بتوانند گفته‌های آن‌ها را به بهترین شکل درک کنند. آن‌ها در هر زبانی، از ویژگی‌های خاصی پیروی می‌کنند تا بتوانند منظور خود را منعکس سازند. به این ویژگی‌ها، نشانگرهای گفتمانی می‌گویند. ریچارد و اشمیت<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) نشانگرهای گفتمان را به‌عنوان عباراتی که معمولاً دو بخش از گفتمان را به هم وصل می‌کنند، ولی در معنای هیچ کدام دخالتی ندارند، تعریف می‌کنند. این‌ها عبارت‌اند از قیدهایی مانند: هنوز، مثلاً و به‌هرحال، حروف ربطی مانند: اما و پس و عبارات حروف اضافه‌ای مانند: در واقع.

بر اساس مدل بین‌فردی هایلند (۲۰۰۵)، فراگفتمان دو نوع است: «فراگفتمان تعاملی»<sup>۲</sup> و «فراگفتمان تبادلی»<sup>۳</sup>. فراگفتمان تعاملی نحوه بیان نظر نویسندگان و نحوه تعامل آن‌ها را با خوانندگان منعکس می‌کند و شامل تردیدنماها<sup>۴</sup>، تقویت‌کننده‌ها یا یقین‌نماها<sup>۵</sup>، نشانگرهای نگرش‌نما<sup>۶</sup> و نشانگرهای خودنامی یا خوداظهاری<sup>۷</sup> است. فراگفتمان تبادلی برای سازمان‌دهی محتوای متن به‌منظور منسجم کردن و مؤثر بودن متن به کار می‌رود که شامل نشانگرهای انتقال<sup>۸</sup>،

- 
1. Richards and Schmidt
  2. interactional meta-discourse
  3. interactive meta-discourse
  4. hedges
  5. boosters
  6. attitude markers
  7. self-mentions
  8. transitions

نشانگرهای چارچوب‌ساز<sup>۱</sup>، نشانگرهای ارجاع درون‌متنی<sup>۲</sup>، نشانگرهای شواهد<sup>۳</sup> و رمزهای تشریحی<sup>۴</sup> است.

### ۱-۱. رمزهای تشریحی

میلنه<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) عبارت‌های توضیحی یا رمزهای تشریحی را این‌گونه توصیف می‌کند: «عبارت‌های توضیحی، یک عنصر حیاتی در متن هستند؛ به این معنا که آن‌ها یک متن را با در نظر گرفتن نیازها، درک و دانش خوانندگان، به بافت آن مرتبط می‌کنند. رمزهای تشریحی با توضیح، بازنویسی یا مثال‌زدن، به درک مطالب متنی کمک می‌کنند.»

رمزهای تشریحی به چهار زیرمجموعه تقسیم می‌شوند:

- الف. پرانتزی‌ها<sup>۶</sup> کلمات یا عباراتی هستند که داخل پرانتز قرار می‌گیرند.
- ب. ابزارهای نقطه‌گذاری، به ویرگول، نقطه‌ویرگول و دونقطه اشاره دارند.
- ج. اصلاح‌کننده‌ها یا نشانگرهای صورت‌بندی مجدد، کارکرد گفتمانی دارند که به موجب آن، واحد دوم بیان مجدد یا تشریح واحد اول در کلمات مختلف است تا آن را از دیدگاهی متفاوت ارائه کرده و پیام را تقویت کند.
- د. مثال‌پردازی<sup>۷</sup> که فرایندی ارتباطی است و از طریق آن، معنا به دست می‌آید. واحد دوم با استفاده از نمونه‌سازی، واحد اول را با ذکر مثال توضیح می‌دهد یا

1. frame markers
2. endophoric markers
3. evidential markers
4. code glosses
5. Milne
6. parentheses
7. exemplification

آن را روشن یا پشتیبانی می‌کند. کومف<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) دونقطه و پرانتز را به‌عنوان فراگفتمان بصری طبقه‌بندی می‌کند.

## ۱-۲. نشانگرهای صورت‌بندی مجدد

نشانگرهای صورت‌بندی مجدد که یکی از زیرشاخه‌های رمزها یا عبارت‌های تشریحی هستند، روابط پویایی بین بخش‌هایی از گفتمان برقرار می‌کنند و گوینده یا نویسنده، مجدداً به شرح گفتمان می‌پردازد تا محتوا را به روشی متفاوت ارائه دهند. رمزهای تشریحی از زیرشاخه‌های فراگفتمان تعاملی هستند که برای صورت‌بندی مجدد یا نمونه‌سازی محتوای یک متن به کار می‌روند (هایلند، ۲۰۰۵).

صورت‌بندی مجدد، توسط نشانگرها انجام می‌گیرد. در زبان انگلیسی، نشانگرهای صورت‌بندی مجدد عبارت‌اند از:

that is, namely, defined as, in other words, ...

در زبان فارسی، این نشانگرها، به عبارت دیگر، به بیان ساده‌تر، یعنی ... هستند.

این نشانگرها می‌توانند تعدادی از عملکردها را در یک متن، مانند توضیح<sup>۲</sup>، نام‌گذاری<sup>۳</sup> و تعریف<sup>۴</sup> انجام دهند (گولیچ و کوتسچی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۳). پورتل<sup>۶</sup> (۱۹۹۸) به این نکته اشاره می‌کند که نشانگرهای صورت‌بندی مجدد، عضو میزبان خود را به‌عنوان دیدگاه جدیدی که باید از آن عضو قبلی تفسیر شود، نشان می‌دهند.

- 
1. Kumpf
  2. explanation
  3. denomination
  4. definition
  5. Gülich and Kotschi
  6. Portole

فرایند صورت‌بندی مجدد در بیشتر متون زبان‌های مختلف دیده می‌شود. در صورت‌بندی یا تنظیم مجدد، با توجه به ویژگی‌های فراگفتمانی که در دستور نظام‌مند نقش‌گرا که توسط مایکل هالیدی<sup>۱</sup> مطرح شد، تولیدکنندگان متن، از جمله نویسندگان و سخنرانان، متن خود را جهت جذب مخاطبان، سازمان‌دهی می‌کنند که یکی از این فرایندها صورت‌بندی یا تنظیم مجدد است. به گفته هایلند (۲۰۰۷)، ارائه توضیحات قانع‌کننده و منطقی برای رویدادها و پدیده‌های مختلف طبیعی و اجتماعی، از ویژگی‌های اساسی گفتمان علمی است که با استفاده از نشانگرهای بازسازی، قابل‌دستیابی است. طبق نظر کوئنکا و باخ (۲۰۰۷)، تغییر شکل به فرایند تفسیر مجدد متنی اشاره می‌کند. گوینده یا نویسنده آنچه را در گفتمان قبلی به آن اشاره شده، برای تسریع در خوانش، مجدداً تفسیر یا بیان می‌کند. صورت‌بندی، عملکردی گفتمانی است که به موجب آن، واحد دوم بیان مجدد یا شرح اولین مورد در کلمات مختلف است، تا آن را از دیدگاه متفاوتی ارائه و پیام را تقویت کند. صورت‌بندی‌های مجدد عمدتاً به عنوان «تعبیرات» در گفتمان برنامه‌ریزی‌نشده تلقی می‌شوند. صورت‌بندی مجدد در نوشتار باید به عنوان بخشی از یک برنامه تلقی شود؛ بنابراین، هدفمند است و نشان می‌دهد نویسنده به دنبال انتقال معانی خاص یا دستیابی به جلوه‌های بلاغی خاص است. در اصل، صورت‌بندی مجدد، یک عملکرد گفتمانی است که به موجب آن، نویسنده، نظری را برای تسهیل درک مجدد توضیح می‌دهد. این امر در سمینارهای تحقیقاتی رایج است که در آن، اعضا اظهارات قبلی دیگر سخنرانان را برای درک مجدد تغییر می‌دهند.

---

1. Halliday M.

طبق نظر بلکامور (۱۹۹۳)، صورت‌بندی مجدد یا تنظیم مجدد، فرایندی از تفسیر مجدد متنی است که نویسندگان، یک نظر را به شیوه‌ای خاص‌تر بیان می‌کنند تا درک خوانندگان را از نظر محتواهای اصلی افزایش دهند؛ بنابراین، صورت‌بندی مجدد به‌عنوان یک عمل معادل‌سازی در نظر گرفته می‌شود. صورت‌بندی در نگارش دانشگاهی، معادل تعامل یا گفتمان است، نه یک رویداد کاملاً منطقی یا گزاره‌ای. به عبارت دیگر، تجدیدشکل نه تنها از موضع نویسنده حمایت می‌کند و به اثربخشی ارتباطی کمک می‌رساند، بلکه ابزاری است که به‌وسیله آن می‌توان یک متن را که با زمینه‌ای اجتماعی و تعاملی معین مرتبط است، ساختار بخشید. صورت‌بندی مجدد، جزء لاینفک متون علمی است که توضیح اصطلاحات و نظرها در آن‌ها رایج است (کندل<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴).

## ۲. پیشینه پژوهش

زبان‌شناسان، نشانگرهای گفتمانی و فراگفتمانی را در بسیاری از زبان‌ها مطالعه کرده‌اند. کثرت و تنوع این مطالعات، حاکی از آن است که گفتمان، متمایزکننده ویژگی‌های زبانی است و در همه زبان‌ها وجود دارد؛ باین‌حال، نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در زبان‌ها و رشته‌های خاصی بررسی شده‌اند. پژوهش حاضر درصدد است با مطالعه نشانگرهای فوق در مقالات زبان‌شناسی با هدف بررسی فراوانی، تنوع و عملکرد نشانگرهای صورت‌بندی مجدد، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را نقد و بررسی کند. در ابتدا به طبقه‌بندی نشانگرهای فراگفتمانی پرداخته شده است.

برآبادی و آقایی (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی مقالات روان‌شناسی نوشته‌شده به زبان انگلیسی پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد فارسی‌نویسان



هنگام نوشتن به زبان انگلیسی سعی می‌کنند خود را با انگلیسی تطبیق دهند. از نظر عملکرد نشانگرهای صورت‌بندی مجدد، این مطالعه نشان می‌دهد آمار فراوانی‌ها با سیر نزولی به این ترتیب است: مشخصات<sup>۱</sup> (در زبان اول یا زبان فارسی)، شناسایی<sup>۲</sup> (در زبان دوم)، نتیجه‌گیری<sup>۳</sup> (در زبان اول). این تفاوت‌ها احتمالاً با تفاوت دستور زبان فارسی و انگلیسی و همچنین با تفاوت در انتظارات فرهنگی مخاطبان در ارتباط است.

برآبادی و همکاران (۲۰۲۱)، مطالعه دیگری روی مقالات دانشجویی در سه رشته فلسفه، اقتصاد و زیست‌شناسی انجام داده‌اند. علاوه بر این، تعدادی از مقالات نوشته‌شده توسط دانش‌آموزان به زبان اول در این رشته‌ها نیز بررسی شده تا تفاوت‌های احتمالی در استفاده مجدد بین دانشجویان زبان اول و زبان دوم مشاهده شود. یافته‌های این مطالعه مبتنی بر پیکره نشان می‌دهد مقالات نوشته‌شده در اقتصاد، دارای بیشترین فراوانی نشانگرهای صورت‌بندی مجدد است و بسامدهای پایین‌تر مربوط به رشته فلسفه و زیست‌شناسی بوده است؛ بنابراین، دانشجویان اقتصاد، تمایل بیشتری به استفاده از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در مقالات خود در مقایسه با مقالات فلسفه و زیست‌شناسی دارند. علاوه بر دو کارکرد مذکور، شفاف‌سازی و مثال‌سازی نیز نشان می‌دهد صورت‌بندی مجدد تقریباً به‌طور مشابه توسط دانش‌آموزانی که انگلیسی برای آن‌ها زبان مادری است و کسانی که انگلیسی برای آن‌ها زبان دوم است، استفاده می‌شود.

اسدی (۲۰۲۱) به بررسی مقالات پژوهشی ادبیات انگلیسی و فارسی پرداخته است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد فراوانی نشانگرهای صورت‌بندی مجدد

- 
1. specification
  2. identification
  3. conclusion

در مقالات پژوهشی ادبیات فارسی، بیشتر از زیرمجموعه انگلیسی است. این تحقیق می‌گوید تقریباً یک‌سوم از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در زیرشاخه انگلیسی، در میان نشانگرهای پرانتزی قرار دارد و این بیانگر آن است که انگلیسی، زبانی خطی‌تر و مستقیم‌تر است و نویسندگان تمایل دارند از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد پرانتزی بیشتری برای کمک به مستقیم‌بودن متن و جلوگیری از اختلال در ارتباط استفاده کنند.

کونکا (۲۰۰۳) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که در متون اسپانیایی و کاتالان، نشانگرهای صورت‌بندی مجدد که ساختار پیچیده‌تری دارند، بیشتر به کار رفته است؛ زیرا نویسندگان اسپانیایی و تا حدی کاتالان، به ارائه حجم عظیمی از اطلاعات، اهمیت زیادی می‌دهند؛ درحالی که در متون انگلیسی، از نشانگرهای ساده و ثابت، بیشتر استفاده شده است. به‌طور کلی، نویسندگان اسپانیایی و کاتالان در مقایسه با نویسندگان انگلیسی، از نشانگرهای صورت‌بندی بیشتری استفاده کرده‌اند.

موریلو (۲۰۰۷) نظریه ارتباط را مطرح می‌کند و در ارزیابی مجدد در خصوص نشانگرهای صورت‌بندی مجدد، سه گام در تفسیر یک دیدگاه ارائه می‌دهد. اولین گام در این فرایند، توسعه «شکل منطقی»<sup>۱</sup> است که شامل سه مرحله است: اختصاص دادن «مرجع»<sup>۲</sup> که توسط نشانگرهای صورت‌بندی مجدد برای بخش اول انجام می‌شود. «ابهام‌زدایی»<sup>۳</sup> که نویسنده از طریق نشانگرهای صورت‌بندی مجدد دربارهٔ مطلبی که قبلاً گفته شده، رفع ابهام می‌کند و «غنی‌سازی»<sup>۴</sup> بیشتر که نویسنده با استفاده از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد، مطلب گفته شده را

- 
1. logical form
  2. reference assignment
  3. disambiguation
  4. enrichment

به طور ویژه تر بیان می کند. گام بعدی بیان مجدد، توضیحات و تشریح مفاهیم ذهنی است. موریلو به این نتیجه می رسد که نشانگرهای صورت بندی مجدد در هر مرحله در طول فرایند تفسیر عبارت بیان شده عمل می کنند.

روبیو (۲۰۰۵)<sup>۱</sup> نشانگرهای صورت بندی اسپانیایی را تجزیه و تجلیل کرده و از دو پارامتر محدودۀ بازسازی ها و خواص توزیعی آن ها بهره گرفته و به این نتیجه رسیده است که وسیع ترین دامنه، به نشانگرهای بسط تعلق دارد. در بین نشانگرهای صورت بندی مجدد، نشانگرهای بسط، تمایل بیشتری به ترکیب با نشانگرهای دیگر دارند. کوئکا و باخ (۲۰۰۷) در تجزیه و تحلیل مقایسه ای نشانگرهای صورت بندی مجدد در سه زبان انگلیسی، اسپانیایی و کاتالان، آن ها را به دو دسته ساده و پیچیده تقسیم کرده اند که صورت های ساده از نظر ساختاری، ثابت هستند و به همین دلیل، با دیگر اعضای گروه خودشان یا با افزودن دیگر سازه ها جایگزین نمی شوند. i.e., or, that is, namely و صورت های پیچیده که ساختار پیچیده و گوناگون بیشتری دارند، قابل جایگزینی هستند یا می توان سازه های دیگری به آن اضافه کرد. به عنوان نمونه:

to say the same thing differently or, to put the same thing a different way.

تعدادی نشانگرهای حدّ وسط هم وجود دارند که ثابت هستند؛ ولی چون ساختار پیچیده ای دارند، جزء صورت های پیچیده لحاظ می شوند. مثال: to be more precise

یافته های کوئکا و باخ (۲۰۰۷) مشخص کرده است که مقالات تحقیقاتی انگلیسی، فراوانی بیشتری در استفاده از نشانگرهای صورت بندی مجدد ساده و ثابت دارند.

بلک‌مور (۲۰۰۷) صورت‌بندی مجدد در انگلیسی را به چهار دسته طبقه‌بندی می‌کند: بسط (ارائه اطلاعات بیشتر)، فشرده‌سازی (خلاصه‌سازی یا خلاصه‌سازی با یک عبارت واحد)، اصلاح (اصلاح بخش قبلی) و ارزیابی مجدد (تجدید نظر در نظر‌گزینه درباره مفهوم که توسط بخش قبلی منتقل شده است).

هایلند (۲۰۰۷) با مطالعه متون دانشگاهی و تجزیه و تحلیل ۲۴۰ مقاله از هشت رشته مختلف، به این نتیجه رسیده که استفاده از نشانگرهای نمونه‌سازی یا مثالی، بیشتر از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در نوشتار دانشگاهی است و به‌طور کلی، رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی، از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد بیشتری در مقایسه با علوم فنی و مهندسی و علوم تجربی، مانند زیست‌شناسی استفاده می‌کنند. بیشترین فراوانی استفاده از نشانگرهای عبارت‌های تشریحی، در رشته‌های زبان‌شناسی کاربردی و بازاریابی بوده است. علوم مهندسی و فنی از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد برای مشخص کردن مشاهدات و تفاسیر استفاده می‌کنند و علوم انسانی و علوم اجتماعی از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد برای تبیین مفاهیم و از نشانگرهای مثال‌زدنی برای ایجاد ارتباط بین مفاهیم و مشاهده عینی بهره می‌گیرند.

هایلند (۲۰۰۷) طیفی از عملکردهایی را که نشانگرهای صورت‌بندی مجدد انجام می‌دهند، متمایز می‌کند. این عملکردها می‌توانند اصل موضوع را با توضیح یا تفسیر بسط دهند یا با نقل قول یا مشخصات، آن را کاهش دهند. نشانگرهای صورت‌بندی مجدد که برای بسط استفاده می‌شوند، یک دیدگاه را مجدداً بیان می‌کنند تا مفهومی را که نویسنده قصد تفهیم آن به مخاطب دارد، گسترش دهند. این امر با ارائه یک توضیح (مثلاً توضیح برای یک اصطلاح فنی) یا با ترسیم مفهومی از بخش قبلی (مثلاً استفاده از به عبارت دیگر) به دست می‌آید.

صورت‌بندی‌هایی که دیدگاه اصلی را کاهش می‌دهند، دامنهٔ تفسیر را با تعبیر (بیان یک دیدگاه در کلمات مختلف برای خلاصه‌تر کردن موضوع) یا مشخص کردن (معرفی دیدگاه به‌طور خاص، دقیق‌تر و...) محدود می‌کنند.

موریلو (۲۰۰۷) با بررسی دو مجموعهٔ انگلیسی و اسپانیایی، تفاوت‌های عمومی در استفاده از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد را در روزنامه‌نگاری تأیید می‌کند و نشان می‌دهد در زیرمجموعهٔ انگلیسی، در هر ده‌هزار کلمه، تنها ۰/۵ مورد نشانگر صورت‌بندی مجدد وجود دارد؛ درحالی‌که مجموعهٔ اسپانیایی ۱/۸۹ مورد را شامل می‌شود.

موریلو (۲۰۱۲) اشکال و عملکردهای نشانگرهای صورت‌بندی مجدد را در مقالات تحقیقاتی مدیریت کسب‌وکار نویسندگان انگلیسی‌زبان اول و انگلیسی‌زبان دوم و اسپانیایی مقایسه کرده و نشان می‌دهد نویسندگان انگلیسی، بیشتر از نویسندگان اسپانیایی از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد استفاده می‌کنند. سه کارکرد کلان در تجزیه و تحلیل این مقالات کاربرد دارد: ۱. کارکردهای مربوط به تفسیر محتوای صریح (همراهی، شناسایی، مشخصات و توضیح)؛ ۲. کارکردهای مرتبط با دانش مفهومی<sup>۱</sup> یا دانش دایرة‌المعارفی (نشانگرهای اسم و تعریف)؛ ۳. کارکردهایی که نشانگرها در بازیابی محتوای ضمنی<sup>۲</sup> (نتیجه‌گیری و کمی‌سازی و عملیات ریاضی) کمک کرده‌اند. کارکردهای نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در سه زیرمجموعه نشان می‌دهد توضیح (توابع به‌معنای صریح)، بیشترین فراوانی را در مقالات مدیریت بازرگانی انگلیسی و انگلیسی‌اسپانیایی دارد؛ درحالی‌که در مقاله‌های مدیریت بازرگانی اسپانیایی،

1. conceptual knowledge

2. implicit meaning

نتیجه‌گیری (توابع معنای ضمنی) بیشترین فراوانی را دارد. همچنین نشانگرهای صورت‌بندی مجدد پرانتری، در مقالات انگلیسی، از فراوانی بیشتری برخوردار است. عملکرد نشانگرهای صورت‌بندی مجدد شامل فرایندهای زیر است: تعریف، نام‌گذاری، توضیح، نتیجه‌گیری، نتیجه، شناسایی، مشخصات، عملیات ریاضی و محدودیت و تصحیح.

شین کوئه‌این (۲۰۱۹)<sup>۱</sup> با استفاده از رویکردهای کمی و کیفی در کنار تجزیه و تحلیل مقابله‌ای، فراوانی توزیع و عملکرد نشانگرهای صورت‌بندی مجدد را در گفتارهای دانشگاهی به دو زبان انگلیسی و لیتوانیایی و سه حوزه علمی علوم انسانی، پزشکی و فناوری بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد دانشمندان علوم انسانی، بیشتر از همه در هر دو زبان، از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در طیف وسیع‌تری استفاده می‌کنند و از آن‌ها به روش‌های متنوع‌تری در مقایسه با محققان علوم دیگر بهره می‌گیرند. متنوع‌ترین نشانگرهای صورت‌بندی مجدد و نیز متنوع‌ترین زمینه‌هایی که نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در آن رخ می‌دهد، در رشته علوم انسانی بوده و در زمینه‌های فناوری و زیست (پزشکی) بسیار یکنواخت‌تر است. به نظر می‌رسد علوم نرم در مقایسه با علوم سخت، از نظر متن، متنوع‌ترند.

### ۳. طرح و روش پژوهش

این تحقیق مبتنی بر مقایسه دو مجموعه است که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. نمونه اول، پیکره‌ای مربوط به زبان انگلیسی شامل پنجاه مقاله انگلیسی در حوزه زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان بوده که در مجموع، حاوی ۴۲۸۱۷۸ کلمه است. پیکره دوم شامل پنجاه مقاله فارسی با ۳۶۸۱۹۷ کلمه است. همه مقالات از

مجله‌های معتبر در دو دهه اخیر انتخاب شده و مشخصاً در حوزه زبان‌شناسی و در خصوص تحلیل گفتمان بوده است. در جدول ۱ تعداد مقالات و کلمات نشان داده شده است.

جدول ۱- تعداد مقالات و کلمات در دو پیکره انگلیسی و فارسی

تعداد کل کلمات	مقالات بررسی شده	پیکره‌ها
۴۲۸۱۷۸	۵۰	مقالات زبان‌شناسی انگلیسی
۳۶۸۱۹۷	۵۰	مقالات زبان‌شناسی فارسی
۷۹۶۳۷۵	۱۰۰	تعداد کل

#### ۴. کدگذاری داده‌ها

انگاره‌های متفاوتی برای فراگفتمان مطرح شده است که با توجه به همخوانی و تناسب انگاره هایلند (۲۰۰۵) با گفتمان علمی، این انگاره، چارچوب پژوهشی مطالعه حاضر در نظر گرفته شد.

به اعتقاد هایلند و تسه (۲۰۰۴)، فراگفتمان دارای دو نقش اساسی متنی<sup>۱</sup> و بینافردی است. در نوع متنی، کلام با مواردی همچون تغییر موضوع، نشان‌دادن توالی‌ها، ارجاع متقابل و عقاید مرتبط، سازمان‌بندی می‌شود؛ درحالی‌که در نوع بینافردی، جنبه‌هایی از متن برجسته شده و نگرش نویسنده با ابزارهایی همچون تردیدنماها، یقین‌نماها و خوداظهارها بیان می‌شود که همگی در جهت تعامل و تفهیم متن به کار می‌رود.

هایلند (۲۰۰۵)، با پذیرش انگاره تامسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۱)، تغییری در انگاره خود ایجاد و فراگفتمان تعاملی و تبادلی را بیان کرد. به اعتقاد هایلند، نشانگرهای تعاملی با سازمان‌دهی اطلاعات گزاره‌ای، به نحوی عمل می‌کنند که متن را منسجم

1. textual  
2. Thompson

و برای مخاطب، متقاعدکننده جلوه می‌دهند. به عبارت دیگر، فراگفتمان تعاملی با تأکید بر محتوای گفتمان و به‌کارگیری مجموعه‌ای از امکانات زبانی، به نویسنده این امکان را می‌دهد که اطلاعات گزاره‌ای را مدیریت کند تا تعبیر مرجع برداشت شود. نشانگرهای تبدلی عمدتاً با تلاش نویسندگان برای کنترل سطح شخصیت در متن و ایجاد رابطه مناسب با داده‌ها، استدلال‌ها و مخاطبان، مشخص کردن میزان صمیمیت، بیان نگرش، ارتباط تعهدات و میزان درگیری خواننده، در ارتباط است.

هایلند (۲۰۰۷) دو تابع فرعی گسترده برای رمزهای تشریحی از زیرمجموعه نشانگرهای تبدلی معرفی کرد: صورت‌بندی مجدد و نمونه‌سازی. در صورت‌بندی مجدد، نویسنده برای درک بهتر مخاطبان، به شرح عبارت دوم می‌پردازد تا خواننده از جمله اول، درک مناسب‌تری داشته باشد و در نمونه‌سازی با استفاده از مثال، به شفافیت عبارت اول می‌پردازد.

عملکرد نشانگرهای صورت‌بندی مجدد با توجه به چارچوب پیشنهادی موریلو (۲۰۱۲) صورت گرفت. طبقه‌بندی موریلو از سه کارکرد کلان تشکیل شده است: ۱. تفسیر محتوای صریح که شامل مشخصات و توضیحات است؛ ۲. دانش مفهومی یا دایرةالمعارفی که شامل تعریف و نام‌گذاری است؛ ۳. تفسیر محتوای ضمنی و نتیجه‌گیری ضمنی، مانند نتیجه‌گیری و کمی‌سازی یا عملیات ریاضی.

کوئنکا (۲۰۰۳) نشانگرها را به دو دسته ساده یا ثابت و پیچیده یا متغیر تقسیم می‌کند. از نظر او، صورت‌های ساده از نظر ساختاری ثابت هستند و به همین دلیل، با دیگر اعضای گروه خودشان یا با افزودن دیگر سازه‌ها جایگزین نمی‌شوند؛ مانند: *i.e., that is, namely* و صورت‌های پیچیده که ساختار پیچیده و گوناگون



بیشتری دارند، قابل جایگزینی با سازه‌های دیگر هستند و سازه‌های دیگر می‌توانند به آن‌ها اضافه شوند؛ مانند:

(which means that, this means that) یا (in a similar vein, in a similar way)

## ۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش با استفاده از چارچوب نظری که مطرح شد، به بررسی مقاله‌های فارسی و انگلیسی پرداخته و با ذکر مثال، آن‌ها را تحلیل می‌کنیم. صورت‌بندی مجدد، عملکرد گفتمانی است که به‌موجب آن، واحد دوم بیان مجدد با تشریح و تفسیر واحد اول، دیدگاه متفاوتی را ارائه می‌دهد و پیام را تقویت می‌کند. برداشت هایلند (۲۰۰۵) از صورت‌بندی مجدد، گسترده است و نه تنها نشانگرهای سنتی صورت‌بندی مجدد را که دستوری هستند (مانند به عبارت دیگر، به‌عنوان مثال و یعنی) در بر می‌گیرد؛ بلکه ابزارهای واژگانی مختلفی (مانند پراتر) را که برای بازنویسی یا توضیح آنچه گفته شده است نیز شامل می‌شود؛ مانند:

(1) self-mentioning, *particularly* the use of “I”, could be “the most visible expression of a writer’s presence in a text”.

(۲) نوع دیگر تنوع زبانی از کاربردهای متفاوت زبان نیز ناشی می‌شود. به عبارت دیگر، زبان برحسب بافت اجتماعی که در آن به کار می‌رود، تغییر می‌کند.

باتوجه به نتایج به‌دست آمده، در هر دو پیکره، از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد استفاده شده است. در مقالات زبان‌شناسی انگلیسی، نشانگرهای صورت‌بندی بیشتری در مقایسه با مقالات زبان‌شناسی فارسی به کار رفته است. به

دلیل اینکه تعداد کل کلمات در هر پیکره به تعداد مساوی توزیع نشده، وقوع نشانگرها در هر ۱۰،۰۰۰ کلمه ارزیابی شد تا بتوان نتایج را راحت‌تر مقایسه کرد. تعداد نشانگرهای به‌کاررفته در مقالات انگلیسی، ۷۸۶ مورد با ۱۸/۳۶ در هر ۱۰۰۰۰ کلمه و در مقالات فارسی، ۵۲۲ مورد با ۱۴/۱۸ بوده است که در جدول ۲ فراوانی و درصد آن‌ها که یکی از اهداف این پژوهش بوده، در دو مجموعه نشان داده شده است.

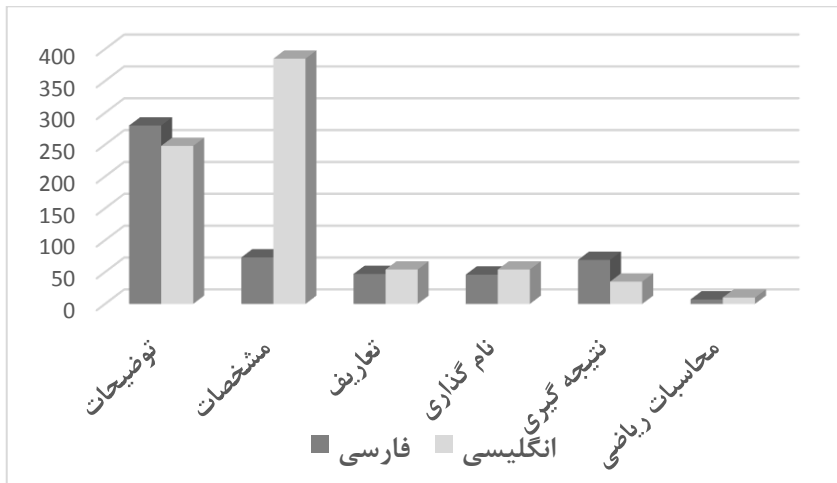
**جدول ۲- فراوانی و درصد نشانگرهای صورت‌بندی مجدد**

نشانگرهای صورت‌بندی مجدد	فراوانی کل	فراوانی در هر ۱۰۰۰۰ کلمه
مقالات انگلیسی	۷۸۶	۱۸/۳۶
مقالات فارسی	۵۲۲	۱۴/۱۸
تعداد کل	۱۳۰۸	۳۲/۵۴

همسو با برآبادی و آقایی (۲۰۲۱) می‌توان استدلال کرد که در زبان فارسی در متون ادبی، برای برخی از اهداف بلاغت و فصاحت، از اغراق استفاده می‌کنند؛ اما در متون علمی و دانشگاهی، به بیان واضح گزاره‌ها با تمرکز و ترجیح مختصر می‌پردازند.

در رابطه با عملکرد نشانگرهای صورت‌بندی مجدد که با توجه به چارچوب موریلو (۲۰۱۲) صورت گرفت، بر اساس نمودار ۱ مشخص شد تفسیر محتوای ضمنی، شامل توضیحات و مشخصات در هر دو زبان، بیشترین و محاسبات ریاضی، کمترین استفاده را دارند.

نمودار ۱- عملکرد نشانگرها صورت‌بندی مجدد بر اساس موریلو (۲۰۱۲)



۶. یافته‌های پژوهش

در تجزیه و تحلیل مقالات فارسی و انگلیسی، مجموعاً ۵۰ نشانگر صورت‌بندی مجدد استخراج شد که از این تعداد، ۲۵ مورد به زبان فارسی و ۲۵ مورد به زبان انگلیسی تعلق داشت. شایع‌ترین نشانگر صورت‌بندی مجدد در زبان انگلیسی «i.e.» و «that is» به ترتیب با فراوانی ۲۳۵ و ۹۲ مورد و در زبان فارسی، نشانگرهای «یعنی»، «به عبارت دیگر» و «به این معنا» به ترتیب با فراوانی ۲۲۵، ۷۲ و ۶۳ مشاهده شد.

نویسندگان انگلیسی در مقایسه با نویسندگان فارسی‌زبان، از نشانگرهای نسبتاً بیشتری استفاده کرده بودند و این تفاوت، می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که نویسندگان انگلیسی‌زبان با توجه به کثرت مخاطبان خود، نیاز به توضیحات بیشتر و مجدد دارند؛ درحالی‌که نویسندگان فارسی برای مخاطبان محدودی که پیشینه علمی مشابهی دارند، می‌نویسند.

عملکرد نشانگرهای صورت‌بندی که توسط طبقه‌بندی موریلو صورت گرفت، نشان می‌دهد نویسندگان هر دو زبان تمایل دارند مطالب خود را به صورت تفسیر محتوای ضمنی، شامل توضیحات و مشخصات بازنویسی کنند؛ اما نویسندگان انگلیسی تقریباً سه برابر بیشتر، از نشانگرهای مشخصات در مقایسه با نویسندگان فارسی‌زبان استفاده کرده‌اند. احتمالاً یکی از دلایل این تفاوت، داشتن مخاطبان زیاد در زبان انگلیسی و نیاز به تجدیدنظر و توضیحات بیشتر در قیاس با زبان فارسی است. در هر دو پیکره، تبیین دانش مفهومی، یعنی استفاده از تعریف و نام‌گذاری و تفسیر محتوای ضمنی، شامل نتیجه‌گیری و محاسبات، تقریباً برابر است.

باتوجه به کوئکا (۲۰۰۳)، انواع نشانگرهای صورت‌بندی مجدد را می‌توان بین دو پرانتز یا خط تیره محصور کرد؛ به طوری که خطی بودن زبان مختل نمی‌شود؛ درحالی که توالی‌های صورت‌بندی مجدد بدون پرانتز، این خطی بودن را مختل می‌کند (رابرتز، ۲۰۰۵؛ دهه و کاوالوا، ۲۰۰۷). در جدول ۳ میزان استفاده از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد پرانتزی در دو پیکره آمده است.

**جدول ۳- میزان استفاده از نشانگرهای پرانتزی در دو پیکره**

نشانگرهای صورت‌بندی مجدد	نشانگرهای پرانتزی	نشانگرهای بین خط تیره	نشانگرهای غیر پرانتزی
مقالات فارسی	۳۱	-----	۴۹۱
مقالات انگلیسی	۱۳۰	۵	۶۵۱

همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، در مقالات انگلیسی، نشانگرهای پرانتزی، فراوانی بیشتری در مقایسه با مقالات فارسی دارد. نشانگر

پرانتری به کاررفته در مقالات انگلیسی known as, namely, i.e, ... especially, in particular, و تنها نشانگرهای پرانتری استفاده شده در پیکره فارسی، «یعنی» است.

علاوه بر نشانگرهای پرانتری، نشانگرهای به کاررفته در بین دو خط تیره نیز در پیکره انگلیسی مشاهده شد؛ اما در پیکره فارسی، نشانگر بین خطوط دیده نشد که می تواند نشان دهنده خطی بودن باشد. این مورد با پژوهش کوئکا (۲۰۰۳) روی مقالات نویسندگان اسپانیایی، کاتالان و انگلیسی همخوانی دارد و نشان می دهد نویسندگان انگلیسی با پیروی از فرهنگ رسمی، رویکردی خطی و ترکیبی برای تولید متن در پیش می گیرند. همچنین نتایج این پژوهش با یافته های برآبادی و آقایی (۲۰۲۱) که روی مقالات روان شناسی انجام شده بود، همسو است.

## ۷. نتیجه گیری

نتایج به دست آمده در خصوص فراوانی نشانگرها در دو پیکره انگلیسی و فارسی، با مطالعات قبلی (موریلو، ۲۰۱۲؛ برآبادی و آقایی، ۲۰۲۱) که رایج ترین نشانگر در مطالعات آن ها «i.e» بود، همسو است؛ اما با مشاهدات اسدی (۲۰۲۱) که بیشترین فراوانی در آن، مربوط به «that is» بود، همخوانی ندارد. این نتایج احتمالاً می تواند به تفاوت در اصول بلاغی<sup>۱</sup> معمول در سبک نوشتاری دو فرهنگ انگلیسی و فارسی مرتبط باشد؛ زیرا برخی پژوهش ها به تأثیر ویژگی های فرهنگی در نحوه و میزان فصاحت و بلاغت در متون بلاغی اشاره کرده اند. تحقیقات تحلیلی نشان می دهد طرح واره های نویسندگان در استفاده از روش های مختلف برای سازمان دهی دیدگاه ها و نظرها در نوشتن متون دانشگاهی، می تواند متفاوت باشد.

1. rhetorical principles

موریلو (۲۰۱۲) معتقد است نشانگرهای صورت‌بندی مجدد، سهم بارزتری در تمایل نویسنده و خواننده دارند؛ زیرا بازتاب برداشت نویسندگان از منابع شناختی خوانندگان خود برای پردازش متن و دانش پیشین آنهاست.

از مقایسه نشانگرهای صورت‌بندی مجدد بین مقاله‌های دو زبان انگلیسی و فارسی در حوزه زبان‌شناسی با رویکرد کمی و کیفی، این نتایج حاصل شد که در هر دو زبان، نویسندگان تمایل به استفاده از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد دارند؛ اما تمایل نویسندگان انگلیسی بیشتر است. این موضوع با نتایج پژوهش‌های پیشین که در زمینه ادبیات فارسی انجام شده بود، مغایرت داشت. به نظر می‌رسد یکی از دلایل این تفاوت، کثرت مخاطبان زبان انگلیسی و نیاز به دوباره‌گویی برای درک بهتر مخاطبان در حوزه زبان‌شناسی باشد. به نظر می‌رسد نویسندگان فارسی‌زبان برای حفظ اقتصاد گفتمانی، از بیان هرگونه اطلاعات اضافی اجتناب می‌کنند.

رایج‌ترین نشانگری که در مقالات زبان انگلیسی مشاهده شد، «i.e» و در زبان فارسی، «یعنی» بود. نشانگرهای دیگر به ترتیب «that is» و «especially» در زبان انگلیسی و «به عبارت دیگر» و «به این معنا که» در زبان فارسی بود. به اعتقاد کوئنکا، نشانگرها به دو دسته ساده و ثابت یا پیچیده و متغیر تقسیم‌بندی می‌شوند. به زعم او «in other words» یک نشانگر ثابت و ساده است؛ اما با توجه به آشکال مختلف معادل آن در زبان فارسی (به عبارت دیگر، به بیان دیگر، به بیان دقیق‌تر، به بیان رساتر و...) می‌توان گفت معادل این نشانگر در زبان فارسی، یک نشانگر متغیر و پیچیده است.

بر اساس نتایج، وقوع نشانگر «i.e» ترجیحاً در بین پرانتز و خط تیره استفاده شده است تا متن، خطی‌تر و منحصراً تر شود. نویسندگان دانشگاهی همواره برای

ایجاد متنی فهم‌پذیر و متقاعدکننده، باید به اولویت‌ها و نیازهای مخاطبان خود آگاه باشند و یکی از راه‌های رسیدن به این هدف، تکرار گفته‌ها برای ارائه مجدد متن است.

باتوجه به تفاوت مقالات در استفاده از نشانگرهای صورت‌بندی، می‌توان توصیه کرد نویسندگان فارسی‌زبان برای رفع ابهام در نگارش، از نشانگرهای صورت‌بندی بیشتری استفاده کنند و در واضح کردن مطالب بیان‌شده، از راهبردهای فراگفتمان بیشتری بهره‌گیرند تا مطالعه مقالات را برای مخاطبان سریع‌تر و آسان‌تر کنند. معلمان، به‌خصوص معلمان زبان دوم، در تعاملات خود با فراگیران می‌توانند از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد برای تسهیل در درک متون استفاده کنند. در پایان، می‌توان به راه‌های دیگری برای مطالعه نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در متون دانشگاهی اشاره کرد؛ مانند تجزیه و تحلیل فراوانی و عملکرد نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در ژانرهای مختلف، نظیر کتاب‌های درسی، مقالات علمی و تک‌نگاری‌ها و استفاده زبان‌آموزان از نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در مقایسه با سخنوران بومی. می‌توان به بررسی نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در متون ترجمه نیز پرداخت.

## منابع

- اسدی، ش. (۱۳۹۹)، نشانگرهای صورت‌بندی مجدد در مقالات پژوهشی ادبیات انگلیسی و فارسی: تحلیل متضاد. **پایان‌نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد**. دانشگاه بجنورد.
- خانی، رضا و مهسا چنگیزی (۱۳۹۵)، مقایسه نشانه‌های فراگفتمان در مجلات انگلیسی و داخلی: مطالعه موردی مقالات حوزه زبان‌شناسی کاربردی، **فصلنامه زبان پژوهی، دوره ۸، شماره ۱۸، صص ۲۷-۱۰۲**.
- صالحی مازندرانی، محمدرضا و سیدمحسن زکی‌نژادیان (۱۳۹۶)، نقش کارکردهای بلاغی و زبانی در تبلیغات بازرگانی، **فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، شماره ۱۶، صص ۲۲۳-۲۵۰**.

- شیخ‌سنگ‌تجن، شهین (۱۳۹۹)، بررسی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در قرآن، *نشریه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، سال ۴، شماره ۳، صص ۲۳-۴۶.

- طارمی، طاهره و گیتی تاکی و پاکزاد یوسفیان (۱۳۹۷)، جنسیت در مقالات علمی فارسی‌زبان: مطالعه پیکر بنیاد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی بر اساس انگاره‌های بلند، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال ۱۰، شماره ۱۸، صص ۲۳-۴۲.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸)، واکاوی پیکره‌بنیاد فراگفتمان تبدلی در مقالات علمی پژوهشی فارسی: انگاره‌های بلند (۲۰۰۵)، *پژوهش‌های زبانی*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۵۱.

- قلی‌فامیان، علیرضا و مریم کارگر (۱۳۹۲)، تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران بر اساس الگوی فراگفتمان‌های بلند، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال ۵، شماره ۲، صص ۳۷-۵۲.

- کاظمیان، رضا و مهرداد واشقانی‌فراهانی (۱۳۹۹)، ترجمه گزاره‌ای فراگفتمانی در گفتمان سیاسی تد: بررسی کم‌تخصیصی معنایی میان انگلیسی و فارسی در پیکره موازی، *مطالعات زبان و ترجمه*، دوره ۵۳، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۵۴.

- نکویی‌زاده، مرضیه، محمد بوالی، محمدصادق باقری و احسان رسایی (۱۳۹۹)، تردیدافکنی فراگفتمانی در مقاله‌های پژوهشی در زبان‌شناسی کاربردی: بررسی مقایسه‌ای سوزانر «نتایج و بحث» در مقاله‌های نویسندگان غیرانگلیسی‌زبان و انگلیسی‌زبان، *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۴۴۸-۴۶۹.

-Barabadi, E., & Aghae, E. (2021). **The Differential Use of Reformulation Markers in Three Sub-corpora: L1 English, L2 English, and L1 Persian.** *Journal of Teaching Language Skills*, 40 (1): 1-32.

Barabadi, Elyas & Seyyed Ehsan Golparvar & Amanollah Arghavan (2021). **To Put It Differently: A Cross-Disciplinary Investigation of Reformulation Markers in Student Essays.** *Discourse Processes*. 58 (9): 787-803

-Blakemore, D. (1993). **The relevance of reformulations.** *Language and Literature*, 2 (2): 101-120.

-\_\_\_\_\_. (2007). **Or'-parentheticals, 'that is'-parentheticals and the Pragmatics of Reformulation.** *Journal of Linguistics* 43 (2): 311-339.

-Burton-Roberts, N. (2005). **Parentheticals.** In E. K. Brown (Ed.), *Encyclopedia of Language and Linguistics (Vol. 9, pp.179-182).* Elsevier.

-Candel, D. (1984). *Une approche de la langue des physiciens.* Langue Française, 64. 93-107.

-Crismore, A. (1989). **Talking with readers: Metadiscourse as rhetorical act.** New York: Peter Lang Publishers.

-Cuenca, M. J. (2003). **Two ways to reformulate: A contrastive analysis of reformulation markers.** *Journal of Pragmatics*, 35 (7), 1069-1093.



- Cuenca, M. J., & Bach, C. (2007). **Contrasting the form and use of reformulation markers.** *Discourse Studies*, 9 (2): 149-175.
- Dehé, N. & Y. Kavalova (Eds.) (2007). **Parentheticals.** Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins.
- Del Saz Rubio, M. (2006). **An overview of Spanish discourse markers of reformulation.** *ODISEA Revista de estudios ingleses*. 7: 89-102.
- Gulich, E. & Kotschi, T. (1983). **Les marqueurs de reformulation paraphrastique.** *Cahiers de Linguistique Francaise*, 5: 305-351.
- Halliday, M. A. K., & R. Hasan (1976). **Cohesion in English.** London: Longman.
- Hyland, K. (2005). **Metadiscourse: Exploring Writing in Interaction.** London: Continuum.
- Hyland, K. (2007). **Applying a gloss. Exemplifying and Reformulating in Academic Discourse.** *Applied Linguistics*, 28 (2): 266-285.
- Hyland, K. and P. Tse. (2004). **Metadiscourse in academic writing: a reappraisal,** *Applied Linguistics*, 25 (2): 156-77.
- Kumpf, E. (2000). **Visual meta-discourse: designing the considerate text.** *Technical Communication Quarterly*, 9 (4): 401-421.
- Milne, D.E. (2008). **The pragmatic role of textual and interpersonal metadiscourse markers in the construction and attainment of persuasion: A cross-linguistic study of newspaper discourse.** *Journal of Pragmatics*, 40 (1): 95-113.
- Murillo, S. (2007). **A contribution to the pragmalinguistic contrastive Study of explicatory reformulative discourse markers in contemporary journalistic written English and Spanish.** Ph.D. thesis. Universidad de Zaragoza.
- Murillo, S. (2012). **The use of reformulation markers in Business Management research articles: An intercultural analysis.** *International Journal of Corpus Linguistics*, 17 (1): 64-90.
- Portolés, J. (1998) *Marcadores del discurso.* Barcelona: Ariel.
- Richards, J. C., & Schmidt, R. (2002). **Longman Dictionary of language teaching and applied linguistics.** (3<sup>rd</sup> ed.). London: Longman.
- Šinkūnienė, J. (2019). **Reformulation markers in academic discourse. A cross-linguistic and cross-disciplinary study.** *Jezikoslovlje*, 20 (3), 531-553.
- Thompson, G. (2001). **Interaction in academic writing: Learning to argue with the reader.** *Applied Linguistics*, 22 (1): 58-78.
- Vande Kopple, W. J. (1985). **Some exploratory discourse on meta-discourse,** *College Composition and Communication* 36 (1): 82-93.
- Williams, J. M. (1981). *Ten Lessons in Clarity and Grace* Chicago. University of Chicago Press.